

حجاب در قرآن و عهدین

فتحیه فتاحی زاده*

چکیده

حجاب یکی از مسایل اصلی مشترک بین ادیان الهی است. تمایل به پوشیده ماندن در یهود، مسیحیت و اسلام امری درونی است و عفاف و خویشتن‌داری فضیلت اخلاقی شمرده می‌شود. از این‌رو پاکی نگاه و حفظ حریم زن و مرد، راهکار گسترش فرهنگ عفاف است. طرح مسئله پوشش در آیین یهود و مسیحیت موجود، با ابهام و اجمال همراه است، اما اسلام این حکم ادیان گذشته را با بیانی روشن، اصلاح و تکمیل کرده است.

تأکید بر چادر و برقع به عنوان ارکان اخلاقی یهود و مسیحیت در پوشش و توجه به خانه‌نشینی زنان، نمونه‌هایی از مواضع سخت این دو آیین است، اما اسلام این موضوع را، به دور از افراط و تفریط به گونه‌ای طراحی کرده است که در جهت فعال‌سازی جامعه زنان، مؤثر و مفید باشد.

f.fattahizade@yahoo.com

تاریخ

* دانشیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع.ا.س)

تاریخ دریافت: 89/2/25

تأیید: 89/5/2

واژگان کلیدی

حجاب قرآنی، عفاف، عهد قدیم، عهد جدید.

مقدمه

ادیان آسمانی به این دلیل که ریشه در یک مبدأ دارند و آموزه‌های آنها از وحی الهی سرچشمه می‌گیرد، در مسائل بنیادین اعتقادی و برخی مباحث فرعی، اشتراک نظر دارند و مسئله حجاب از آن جمله است.

در این نوشتار ضرورت پوشش و اهمیت و جایگاه آن در سه آئین یهود، مسیحیت و اسلام به بحث گذارده می‌شود و بررسی نصوص دینی، نگرش این ادیان به حدود و چگونگی پوشش را روشن می‌سازد.

قبل از هر چیز لازم است مسئله گرایش درونی انسان به پوشیده ماندن در برابر دیگران، در این نصوص مطالعه شود.

در تورات، آنجا که داستان خلقت و حوا را به تصویر می‌کشد، می‌گوید:

و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر، خوش‌نما و درختی دل‌پذیر و دانش‌افزا، پس از میوه‌اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. آن گاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریان‌اند؛ پس برگ‌های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویش ساختند... و آدم، زن خود را حوا نام نهاد؛ زیرا که مادر جمیع زندگان است و خداوند رخت‌ها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید. (تورات، سفر پیدایش: باب 3، فقره 8-6 و 20 و 21)

قرآن کریم نیز تمایل به پوشیدگی را در جان آدمی جست‌وجو می‌کند و می‌فرماید:

...فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ... (اعراف / 22)

چون از آن درخت خوردند شرمگاه‌هایشان آشکار شد و به پوشیدن خویش از برگ‌های بهشت پرداختند.

خداوند در آیات بعدی خطاب به بشر می‌فرماید:

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي
سُؤَاتِكُمْ وَ رِيْشًا (اعراف/26)
ای فرزندان آدم، برای شما جامه‌ای فرستادیم که شرمگاهتان را می‌پوشاند و نیز
مایه زینت است... .

کتاب مقدس و قرآن کریم داستان آفرینش را در برخی ابعاد متفاوت آورده‌اند، اما از هم‌سویی و هم‌گرایی آنها نباید غفلت کرد. طبق هر دو نقل، برهنگی حاصل و سوسه شیطان است و چون زشتی برهنگی امری درونی است، بی‌درنگ آدم و حوا به دنبال پوشش از برگ درختان برآمدند.

ضرورت عفاف

واژه عفاف به خودداری از چیزی که حلال نیست (فراهیدی، 1405: 1 / 93)، یا خودداری از گفتار یا کاری که جایز و شایسته نیست (ابن منظور، 1414: 9 / 253) تعریف شده است. راغب اصفهانی آن را حالت نفسانی می‌داند که به واسطه آن از غلبه شهوت جلوگیری می‌کند. (راغب اصفهانی، 1412: 573) مطابق این معنا، عفاف در مفهوم عام خود عبارت از خویشتن‌داری در برابر هر نوع تمایل افراطی نفسانی است. (قاضی‌زاده، 1386: 36 / 92) بر این اساس، عفاف به صنف خاصی اختصاص ندارد و برای زن و مرد فضیلت اخلاقی است. ادیان الهی نیز بر این ملکه نفسانی تأکید می‌کنند و پای‌بندی به آن را از پیروان خود می‌خواهند.
با توجه به اهمیت عفاف به عنوان روح پوشش که بسترساز سلامت و پاکی جامعه است، ابتدا به بررسی جایگاه آن در ادیان سه‌گانه می‌پردازیم:

در آیین یهود به مردان توصیه می‌شود که شخص نباید در کوچه و بازار از پشت‌سر زنی راه برود، حتی اگر آن زن، همسر خود فرد باشد. اگر کسی روی پل با زنی روبه‌رو شد، باید صبر کند تا آن زن از یک سو عبور کند، سپس خود از پل بگذرد و کسی که به عمد از پشت‌سر زنی روان شود که از نهر می‌گذرد (تا هنگام عبور از آب همین که پیراهنش را بالا کشید، ساق‌های برهنه او را تماشا کند)،

سهمی از سعادت جهان آینده نخواهد داشت. کسی که با دست خود پولی به زنی بدهد تا رخسار او را بنگرد و از زیبایی او لذت برد، حتی اگر در دانش تورات و کارهای نیک با سرور ما، موسی علیه السلام برابر باشد، از کیفر جهنم رهایی نخواهد یافت. اگر انسان به دنبال شیر درنده باشد، بهتر از آن است که زنی را تعقیب کند. (کهن، 1382: 116)

در تلمود نیز به پاکی نگاه سفارش و چشم‌چرانی منافی عفت دانسته می‌شود: نه تنها آن کس که با جسم خود زنا می‌کند، زناکار است، بلکه آن شخص که با چشمان خود زنا می‌کند، زناکار خوانده می‌شود. (ویقرا، ربا: فقره 32 - 12) در خصوص حفظ حریم روابط زن و مرد و رعایت عفت جنسی، در فرمان‌های ده‌گانه خداوند به حضرت موسی علیه السلام می‌خوانیم: «زنا مکن... و بر زن همسایه‌ات طمع نورز». (تورات، سفر خروج: باب 20، فقره 17 - 14) و بر عفت دختران هم تأکید خاصی شده است:

دختر خود را بی‌عصمت مساز و او را به فاحشگی وامدار. مبادا زمین مرتکب زنا شود و زمین پر از فجور گردد. (سفر لاویان: باب 19، فقره 30)

قرآن کریم در آیاتی چند عفاف حضرت موسی علیه السلام و حیای دختران شعیب را به زیباترین بیان ترسیم می‌کند و می‌فرماید:

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا. (قصص / 25)

و یکی از آن دو (دختران شعیب) به سراغ او آمد، در حالی که با شرم گام بر می‌داشت، گفت: در حقیقت پدرم تو را فرا می‌خواند تا پاداش آب دادن (گوسفندان) ما را به تو بپردازد.

خداوند برای نشان دادن عظمت حالت دختران شعیب، واژه «استحیا» را به صورت نکره آورده است تا عفت و نجابت را با راه رفتن نشان دهد (طباطبایی، 1417: 16 / 26) و در مقابل، عفت موسی علیه السلام است که در روایت تفسیری آمده است: موسی علیه السلام هنگام بازگشت، به دختر شعیب فرمود: راه را به من نشان بده و خودت از پشت سرم بیا،

زیرا ما دودمان یعقوب، به پشت سر زنان نگاه نمی‌کنیم (حویزی، بی‌تا: 4 / 124) و دختر شعیب نیز به خاطر نوع برخورد حضرت موسی، او را به امین ملقب می‌کند:

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ. (قصص / 26)

یکی از دو دختر گفت: ای پدر او را استخدام کن، که بهترین کسی که استخدام می‌کنی، نیرومند درست‌کار است.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: حضرت شعیب از دخترش پرسید چگونه به امانت این جوان پی بردی؟ پاسخ داد: وقتی دعوت شما را به او رساندم، از من خواست از پشت‌سرم او را راهنمایی کنم تا مبادا به قامت من چشم بدوزد. (مجلسی، 1404: 13 / 44) این همه نشان می‌دهد که زن صالح در دین یهود جایگاه والایی دارد:

زن صالحه را کیست که پیدا تواند کرد؟ قیمت او از لعل گران‌تر است. دل شوهر به او اعتماد دارد... برایش تمامی روزهای عمر خود خوبی خواهد کرد نه بدی... زنی که از خداوند می‌ترسد، مدح خواهد شد. (امثال سلیمان، باب 31، فقره 10 - 13)

دعوت به عفاف و تقوای پیشگی در آیین مسیحیت با تأکید بیش‌تری همراه شده است، زیرا در این آیین، مجرد امری مقدس تلقی می‌شود؛ البته ترغیب به مجرد و رهبانیت در آموزه‌های مسیح نیست، بلکه در دوره‌های بعد پدید آمده و به عنوان اعتقاد مسیحی رواج یافت:

بعد از آنکه آیین عیسی علیه السلام دین رسمی مملکت امپراطوری روم گردید، اندکی برنیامد که اصول رهبانیت در آن مذهب به ظهور رسید و به سرعت رشد و نمو کرد. در آغاز، بعضی اشخاص که به سخنان پولس حواری ایمان داشتند و اندرز او را که می‌گفت: «مؤمنان عیسوی از زن و مرد شایسته است که در مجرد و تفرد زندگی کنند و بی‌همسر بمانند» در دل داشتند، به این روش گراییدند؛ لکن ظهور رهبانیت به صورت یک نهضت خاص مبنی بر قطع علاقه از اجتماع، در اواخر قرن سوم میلادی به وقوع پیوست. (ناس، 1384: 639)

قابل ذکر است که مسیحیت در عصر حاضر، ازدواج را برای تمام مسیحیان مقدس

می‌شمرد و تنها آن را برای پاپ و اسقف‌های کلیسا ممنوع می‌داند. طبیعی است که برای حفظ عفت عمومی جامعه و از بین رفتن زمینه‌های تحریک باید که زن و مرد در این زمینه نقش آفرینی کنند. حضرت مسیح به مردان مسیحی می‌گوید:

شنیده‌اید که به اولین (ادیان پیشین) گفته شده زنا مکن، اما من به شما می‌گویم هر کس به زنی نگاه شهوت بیاندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است. پس اگر چشم راستت تو را بلغزند، قلعه کن و از خود دور انداز... (انجیل متی: باب 5، فقره 31 - 27)

در روایات اسلامی نیز از قول حضرت مسیح وارد شده است:

از نگاه کردن به زنان بهره‌زید؛ زیرا شهوت را در قلب می‌رویانند و همین، برای ایجاد فتنه در شخص نگاه‌کننده کافی است. (قمی، بی تا: 2 / 596)

پولس هم در رساله خود می‌نویسد:

هم چنین زنان خویشتن را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها، بلکه چنان که زنانی باید دعوی دین‌داری کنند به اعمال صالحه. (رساله اول پولس به تیموتائوس: باب 2، فقره 15 - 9)

گفتنی است که از برخی نصوص برمی‌آید که در آئین مسیحیت رعایت عفاف توسط زنان ملازم خانه‌نشینی آنان مطرح شده است. در یکی از نامه‌های پولس آمده است:

اما تو سخنان شایسته تعلیم صحیح را بگو که مردان هوشیار و باوقار و خرداندیش در ایمان و محبت و صبر صحیح باشند. هم چنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبت‌گو و نه بنده شراب بسیار، بلکه معلمان تعلیم نیکو، تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند و خرداندیش و عقیفه و خانه‌نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود. (رساله پولس به تیطس: باب 2، فقره 7 - 3)

در فرهنگ اسلام نیز مسئله عفاف با دقت و جامع‌نگری مورد توجه قرار گرفته و دین، زن و مرد را با دستورالعمل‌هایی به سوی این فضیلت اخلاقی فرا خوانده است. مسئله کنترل نگاه و حفظ آن یکی از این دستورات قرآنی است. قرآن کریم به مردان

و زنان مؤمن چنین دستور می‌دهد:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَ قُلْ
لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ... (نور / 30 و
31)

به مردان مومن بگو چشمان خویش فرو گیرند...
و به زنان مومن بگو که چشمان خویش
فراگیرند.

غض بصر در لغت به معنای کاهش دادن نگاه و خیره نشدن است. (مصطفوی،

1360: 7 / 235)

به عقیده برخی مفسران، خطاب «قل للمؤمنین...» برای زن و مرد کفایت
می‌کرد، اما به دلیل اهمیت مسئله، خطاب به زنان را به طور مستقل آورد تا فرمان کنترل
نگاه با تأکید بیشتری بیان شود. (قرطبی، 1967: 12 / 226؛ زحیلی، بی‌تا: 18 /
215)

براساس آیات یاد شده، مرد و زن وظیفه دارند از نگاه خیره پرهیز نمایند و با دوری از
آن راه گسترش عفت را هموار سازند.

رعایت عفاف در راه رفتن، جنبه دیگر این موضوع است. قرآن کریم پس از آنکه مرد

و زن مؤمن را از نگاه‌های شهوت‌آلود نهی می‌کند، می‌فرماید:

... وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ
زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا
الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (نور / 31)

... و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده‌اند دانسته شود، ای
مومنان! همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که شما رستگار گردید.

فرهنگ حاکم بر آن روزگار که منش زن جاهلی را هنگام حضور در اجتماع ترسیم

می‌کند، زمینه نزول آیه است، زیرا برخی زنان عرب، خلخال به پا می‌کردند و برای اینکه
بفهمانند خلخال به پا دارند، پای خود را محکم به زمین می‌کوبیدند. آیه آنان را از این
عمل نهی می‌کند. (قاسمی، 1398: 12 / 199) بر این اساس و با توجه به سیاق آیه،

برخی مفسران قاعده کلی از آیه استنباط کرده‌اند: نهی از پا کوبیدن بر زمین، بیانگر نهی از هر چیزی است که توجه نامحرم را جلب کند و نگاه‌ها را برانگیزد و زمینه فساد درست کند. (فاضل، بی‌تا: 3 / 288)

و نیز قرآن با تأکید تمام از اینکه آهنگ و محتوای سخن زن هیچ‌انگیز باشد، جلوگیری کرده است. در قرآن کریم چنین آمده است:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ
أَتْقِيئَتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي
قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا. (احزاب / 32)

ای زنان پیامبر! شما اگر از خدا بترسید، مانند دیگر زنان نیستید، پس به نرمی سخن مگویید تا کسی که در قلبش مرضی هست، به طمع افتد و سخن پسندیده بگوید.

این آیه که خطاب به همسران پیامبر است، دستور عام به تمام زنان می‌باشد، مبنی بر اینکه گفتارشان به لحاظ شیوه بیان و نیز محتوا، عقیفانه باشد.

محتوای سخن باید قول معروف باشد یعنی سخنی باشد که شرع و عرف اسلامی آن را بپسندد و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند. (طباطبایی، 1417: 16 / 309) بنابراین در فرهنگ اسلام، هر گفتاری که با ناز و عشوه همراه باشد، نماد بی‌عفتی است. محتوای کلام نیز هرگاه شهوت را برانگیزد، به دور از عفت است. گفتنی است عفاف در آموزه‌های اسلامی ابعاد گسترده‌تری دارد و ما به دلیل نبود فرصت از طرح جنبه‌های گوناگون آن چشم می‌پوشیم.

الف) حجاب در آیین یهود

پراکندگی و قدمت قوم یهود موجب شده است رعایت پوشش و چگونگی اجرای آن در بین پیروان این آیین با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو باشد، اما چون معیار دآوری ما نصوص مذهبی این آیین است، با نظر داشت این نصوص، پوشش را در دین یهود بررسی می‌کنیم.

پوشش سر و استفاده از چادر که همه اندام را می‌پوشاند، میان بنی‌اسرائیل رایج

و مرسوم بود. مردی از بنی اسرائیل به نام «بوعز» به یکی از زنان بنی اسرائیل به نام «روت» می‌گوید: «چادری که به توست، بیاور و بگیر، پس آن را بگرفت و او شش کیل جو پیموده بر آن گذاشت و به شهر رفت. (عهد عتیق، کتاب روت: باب 3، فقره 15)

در عباراتی از تورات علاوه بر چادر، به برقع هم که صورت را با آن می‌پوشاندند، اشاره شده است. در مورد عروس یهودا آمده است: «پس رخت بیوگی را از خویشان بیرون کرده و برقی بر روی کشیده و خود را در چادری پوشیده و به دروازه عینایم که در راه تمنه است، نشست». (سفر پیدایش: باب 38، فقره 14 و 15)

در نقل ماجرای ازدواج اسحاق با رفقه، می‌خوانیم: «رفقه چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر فرود آمد، زیرا که از خادم او پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید و خادم گفت: آقای من است. پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید». (همان: باب 24، فقره 64 و 65)

نصوص یادشده، به هر ترتیب، بیانگر آن می‌باشند که زنان مؤمن یهودی خود را ملزم به اجرای قوانین دین یهود می‌دانستند و مردان هم از این دستورات عملی بی‌نییب نبودند. یکی از دستورات دینی یهود آن است که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش پیداست، دست دعا به درگاه خدا بردارد. (دورانت، 1380: 4 / 484)

1. حدود و چگونگی پوشش در آیین یهود

همان‌طور که اشاره شد شریعت یهود به چادر و برقع در پوشش زنان تصریح نموده است، اما حد و مرز پوشش و چگونگی آن در کتاب یکی از علمای معاصر یهود به تفصیل آمده و پوشش زنان را در دو مرحله، قبل و بعد از ازدواج به تصویر کشیده است؛ اینکه دختر یهودی قبل از ازدواج باید از پوشش ساده لباس که دامن آن تا ده سانت زیر زانو و آستین آن تا آرنج است، استفاده کند و موی سر او در صورتی که مزین نباشد، لازم نیست پوشیده شود و اگر بلندی موها به شانه برسد باید بسته شود. البته طبق تعالیم دینی یهود، دختر باید حوالی بلوغ ازدواج کند و پس از آن، رعایت حجاب بر او لازم می‌شود به گونه‌ای که لباس به قدری گشاد باشد که برجستگی‌های بدن را بپوشاند و آستین لباس تا مچ دست باشد. تمامی گردن از دو طرف تا شیب کتف از پشت و جلو باید

پوشانده شود حتی پاها پوشیده بماند و از پشت جوراب نباید پا دیده شود و جوراب‌های عکس‌دار و با رنگ‌های تند ممنوع است.

تمام موی سر پوشیده بماند و آرایشی که موجب جلب توجه دیگران شود، گناه بزرگی است. (یسرائل لوگاسی، 1980: 110؛ به نقل از: موسوی، 1386: 144) به هر حال شاید بتوان گفت در امر پوشش زنان یهودی، بر پوشاندن موی سر آنان تأکید بیش‌تری صورت گرفته است. بر این اساس یکی از مورخان می‌گوید:

در طول قرون وسطی یهودیان هم‌چنان زنان خویش را با لباس‌های فاخر می‌آراستند، ولی به آنها اجازه نمی‌دادند با سر عریان به میان مردم بروند. نپوشاندن موی سر خلافی بود که مرتکب را مستوجب طلاق می‌ساخت. (دورانت، 1380: 4 / 484)

برای عینیت یافتن مسئله پوشش در دین یهود، کسانی که آموزه‌های شریعت یهود را نادیده گرفته و به خودآرایی و تبرج پردازند، مشمول عذاب الهی می‌شوند و باید از عاقبت شوم و سختی که در پیش دارند، بترسند.
در کتاب اشعیای نبی آمده است:

خداوند می‌گوید: از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم، راه می‌روند و به ناز می‌خرامند و به پاهای خویش خلخال‌ها را به صدا می‌آورند، بنابراین خداوند فرق سر دختران صهیون را کُل خواهد ساخت و خداوند عورت ایشان را برهنه خواهد نمود و در آن روز، خداوند زینت خلخال‌ها و پیشانی‌بندها و هلال‌ها را دور خواهد کرد و گوشواره‌ها و دست‌بندها را و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردان‌ها و تعویذها را و انگشترها و حلقه‌های بینی را و زخوت نفیسه و رداها و شال‌ها و کیسه‌ها را و آینه‌ها و کتان نازک و عمامه‌ها و برقع‌ها را واقع می‌شود که به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمربند، ریسمان و به عوض موهای بافته، کلی و به عوض سینه‌بند، زتار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود. (اشعیاء نبی: باب 3، فقره 24 - 16)

تورات در راستای نهی از تبرج و خودنمایی، تشبیه زن و مرد به یک‌دیگر را نهی می‌کند

و می‌گوید:

متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد، زیرا هر که این کار را کند، مکروه یهوه خدای توست. (سفر تثئیه: باب 22، فقره 5)

گفتنی است که در آموزه‌های یهود، احکام و دستوراتی وارد شده است که گویای نگرش و مواضع سخت‌گیرانه این دین در مسئله پوشش و رعایت حریم زن و مرد است. زنانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود، ازدواجشان باطل است و مَبْلَغ کتوبا (مهریه) به ایشان تعلق نمی‌گیرد:

1. زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند و برای مثال بدون پوشاندن سر خود، میان مردان می‌رود، در کوچه و بازار، پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سبک‌سری به گفت‌وگو می‌کند.
2. زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می‌دهد.
3. زنی بلند صدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه می‌گوید. (تلمود، میشنا کتوبوت: باب 7، فقره 6)

شاید وجود این دستورها، مورخان و اندیشمندان را بر آن داشته که تنها از رسم حجاب میان زنان یهود سخن نگویند، بلکه سخت‌گیری‌های آنان را در این باره نیز یادآور شوند. ویل دورانت می‌گوید:

گفت‌وگوی علنی میان ذکور و اناث حتی بین زن و شوهر از طرف فقهای دین ممنوع گردیده بود. دختران را به مدرسه فرستادن و در مورد آنها کسب اندکی علم را به ویژه خطرناک می‌شمردند. با این حال، تدریس خصوصی برای اناث مجاز بود. (دورانت، 1380: 12 / 66)

استاد مطهری منشأ این سخت‌گرفتن را در تفکر آنان نسبت به پنهان کردن زن و حذف او از صحنه اجتماع جست‌وجو می‌کند و می‌نویسد:

در ایران و در بین یهود و سایر مللی که از فکر یهود پیروی می‌کردند حجاب به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می‌خواست، حضور داشت. در بین این ملتها سخن از پوشیدن زن و چهره او نبود، بلکه سخن از پنهان کردن زن بود و این فکر به صورت یک عادت جدی در میان آنها رواج داشت. (مطهری، 1376: 19)

در هر صورت حجاب در طول تاریخ یهود، به استناد نصوص دینی موجود در این آیین، مورد توجه و رعایت زنان مؤمن یهود بود. (دورانت، 1380: 4 / 484)

هر چند امروزه برخی هواخواهان یهودی آن را مورد بی‌مهری قرار می‌دهند؛ اما به نظر می‌رسد تا قبل از درآمیختن دین یهود با فرهنگ غربی، زنان یهودی حجاب داشتند. یکی از نویسندگان معاصر در این باره می‌گوید:

بانوان یهودی در اروپا تا قرن 19 یعنی تا وقتی که با فرهنگ دنیوی غرب احاطه نشده بودند، حجاب داشتند؛ ولی بعدها با فرهنگ اطراف خود بیش‌تر آمیخته شده و از پوشش آنها کاسته شد. امروزه اغلب بانوان یهود موه‌های خود را جز در سینا گوگ (کنیسه) نمی‌پوشانند و بعضی بانوان مؤمن براساس فتاوی‌ای بعضی از خاخام‌های اشکنازی (کشورهای غربی) استفاده از کلاه‌گیس را از دیگر اشکال پوشش سر جهت جایگزین کردن حجاب سنتی راحت‌تر یافتند و مانند فرقه «حسیدی» برای پوشش، تنها از کلاه‌گیس استفاده می‌کنند. قابل ذکر است که عموم علماء سفارادیم (کشورهای شرقی) کلاه‌گیس را به عنوان حجاب سر قبول ندارند. امروزه بسیاری از بانوان مؤمن یهودی ارتدکس (خصوصاً فرقه حریدیم) در فلسطین اشغالی از پوشش و لباس‌های ساده و وزین در اجتماع استفاده می‌نمایند. (مازی، 1381: 292)

ب) حجاب در آئین مسیحیت

در بررسی این آیین به نصوصی برمی‌خوریم که گویای تداوم قوانین یهود در مسئله پوشش است. بنابراین استفاده از چادر و برقع برای همگان، حتی خاتون‌های اشراف، لازم بود و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی‌گذاشت؛ بلکه آن را با طلا و نقره و پارچه‌های زربفت تزئین می‌نمودند و حتی برای تفریح نیز با حجب و حیای کامل در مجالس انس یا گردش‌هایی دور از چشم نامحرمان شرکت می‌جستند.

در عهد جدید نیز این‌گونه بر لزوم پوشاندن موی سر، به ویژه در مراسم عبادی، تأکید شده است:

اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد و سر مسیح، خدا. هر مردی که سرپوشیده دعا یا نیوت کند، سر خود را رسوا می‌نماید، زیرا این چنان است که تراشیده شود، زیرا اگر زن نمی‌پوشد، موی را نیز ببرد؛ و اگر

زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید بپوشد، زیرا که مرد را نباید سر خود را بپوشد چون که او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است و نیز مرد به جهت زن آفریده نشد، بلکه زن از مرد. از این جهت زن می‌باید عزتی بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان. لیکن زن از مرد جدا نیست و مرد هم جدا از زن نیست در خداوند، زیرا چنان که زن از مرد است، هم چنین مرد به وسیله زن، لیکن همه چیز از خدا. در دل خود انصاف دهید؛ آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند؟ آیا خود طبیعت شما را نمی‌آموزد که اگر مرد موی دراز دارد، او را عار می‌باشد؟ و اگر زن موی دراز دارد، او را فخر است، زیرا که موی به جهت پرده بدو داده شد؟ و اگر کسی ستیزه‌گر باشد، ما و کلیساهای خدا را چنین عادتی نیست. (رساله اول پولس به قرنتیان: باب 11، فقره 16 - 3)

در جای دیگر از همین رساله می‌خوانیم:

حال نظر خودتان در این باره چیست؟ آیا درست است که یک زن در جمع بدون پوشش سر دعا کند؟ (همان: باب 1، فقره 15 - 11)

از این بیانات نباید نتیجه گرفت که دین مسیحیت، پوشش سر را فقط هنگام دعا لازم شمرده است، بلکه سیره عملی زنان مسیحی نشان می‌دهد که آنان تا حدود رنسانس به حجاب پای‌بند بودند.

یکی از مورخان سیره عملی زنان مسیحی را این‌گونه ترسیم می‌کند:

ساق پای زنان چیزی نبود که در ملاء عام و یا رایگان به چشم خورد... البسه بانوان در مجالس توره، موضوع مهمی برای روحانیون بود که کاردینال‌ها، درازی جامه‌های خواتین را معین می‌کردند. هنگامی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند، به دستور زن‌ها، چادرها را از شمش ظریف و حریر زربفت ساختند. (دورانت، 1380: 13 / 500 - 498)

به هر حال، رعایت پوشش و پای‌بندی مسیحیان به رعایت حجاب را باید در اهتمام پاپ‌ها و کاردینال‌های مسیحی جست‌وجو کرد. گرچه آنان گاهی راه افراط را پیموده و قوانین دشواری را وضع کرده‌اند. آنها در دستورالعملی پوشاندن صورت را الزامی کردند و تزئین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آئینه و سوراخ نمودن گوش‌ها و آویختن

گلوبند، خلخال، طلا و دست‌بند قیمتی، رنگ نمودن مو، و تغییر صورت ظاهری را ممنوع ساختند. (ر.ک. به: حکیم الهی، 1342: 53)

در همین راستا دو تن از مراجع دینی مسیحیت در مورد لزوم پوشاندن صورت معتقدند:

زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، الا آن‌که در خانه خود باشد؛ زیرا فقط لباسی که او را می‌پوشاند، می‌تواند از خیره شدن چشم‌ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه به صورتش وادار به گناه نماید. (همان)

در کتاب مقدس بر لزوم آراستگی به حیا و کنارگذاشتن آرایش ظاهری، این‌گونه تأکید شده است:

و شما را زینت ظاهری نباشد، از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس، بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیرفاسد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانبه‌است، زیرا بدین‌گونه زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشتن را زینت می‌نمودند. (رساله پطرس: باب 3، فقره 6 - 1)

بزرگان دینی مسیحیت نیز زنانی را که به حفظ پوشش بی‌اعتنا باشند، سرزنش می‌کردند. اسقف مسیحی به نام «برتولد» به مردان می‌گوید:

شما ای مردان! می‌توانید به این کارها پایان بخشید و دلاورانه به مبارزه با آن قیام کنید، ابتدا با سخن خوش و اگر باز سرسختی نشان دهند، قدم میان نهید و رویند (مزین) را از سر زن کشیده و پاره کنید و حتی اگر چهاردانه از موها نیز کنده شد، آن را در آتش افکنید. (دورانت، 1380: 3 / 498)

از این دست مضامین بر می‌آید که خودنمایی و خودآرایی برای زنان مسیحی روا نیست و کسی که عفاف را رعایت نکند و گرفتار شهوت جنسی باشد، در حقیقت مرده است. به گفته پولس «زن عیاش در حال حیات، مرده است». (رساله پولس به تیموتائوس: باب 5، فقره 6)

باز تأکید می‌کنیم که پس از رنسانس و بروز تحول در فضای فکری - فرهنگی جامعه غربی، رویکرد مسیحیت به پوشش دچار دگرگونی جدی شد؛ به طوری که پس از

ظهور ایدئولوژی عصر روشنگری که کوران دوران مدرنیته قلمداد می‌شود فرهنگ، معنای معنوی و ارزشی خود را از دست داد و در مفهوم «تمدن» به کار رفت. در غرب، فرهنگ به معنای پیشرفت، بهسازی، رشد، و تکامل تلقی گردید؛ یعنی مظاهر مادی نیز فرهنگ دانسته شد و پیشرفت مادی و معنوی «تمدن» نام گرفت. با پیدایش دیدگاه‌های تازه در دوران مدرنیته، سبکی نوین در هنرهای تجسمی اروپا و آمریکای شمالی پدید آمد که در این میان، تغییر در نقاشی و پیکرتراشی قابل توجه است. در این دوران تندیس‌های برهنه ساخته شد؛ تندیس‌هایی که احساس تن بودن انسان و لزوم پرداختن هنرمند به تن را به بیننده القا می‌کرد. از این میان، می‌توان به پیکره «داوود» ساخته میکل‌آنژ اشاره کرد؛ تندیس مرد جوانی در نهایت زیبایی و برومندی که برهنه مادرزاد است. این مجسمه نشان می‌دهد پس از دوران تجدد، چه اندیشه و فرهنگی بر دست و قلم هنرمند فرمان می‌رانند. در عرصه نقاشی نیز می‌توان به صورت‌های تخیلی نقاشان از مریم مقدس اشاره کرد. تصویرهای پیش از رنسانس، مریم را زنی غیرمعمول و سرشار از حجب و حیایی که به وی حالتی ملکوتی می‌بخشد، نشان می‌دهد. نقاش در این عصر، می‌کوشد زیبایی معنوی به مریم ببخشد، اما نقاش پس از دوران تجدد، مریم را از آسمان به زمین می‌آورد و برای ترسیم سیمای مریم، زنان زیبای کوچه و بازار را الگو قرار می‌دهد. در این تابلو دیگر آن شرم و حجب مقدس دیده نمی‌شود و بیننده، بیش از آن که به یاد ارزش‌های معنوی بیفتد، به زیبایی چهره خیره می‌شود. گویا در دوره‌ای که ارزش به تن و چهره است، ارزش مریم نیز به زیبایی ظاهری‌اش بستگی دارد. (حداد عادل، 1374: 32 - 28)

ج) حجاب در آیین اسلام

واژه حجاب به معنای حائل، پرده، پنهان کردن و منع از تلاقی است. (فراهیدی، 1405: 86 / 3؛ طریحی، 1395: 34 / 2؛ ابن‌منظور، 1414: 1 / 298؛ مصطفوی، 1360: 167 / 2)

استاد مطهری معتقد است کاربرد واژه حجاب برای پوشش زن، یک اصطلاح به

نسبت جدید است، زیرا این واژه بیشتر در معنای پرده استعمال می‌شد. (ر.ک. به: مطهری، 1376: 74 و 78)

حجاب از دیدگاه اسلام به مفهوم محدود کردن فعالیت‌های اجتماعی زن نیست، بلکه زن می‌تواند با رعایت پوشش و حفظ حدود آن، حضوری فعال در جامعه داشته باشد. قرآن کریم حدود و چگونگی پوشش را این‌گونه تبیین می‌کند:

وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يُحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ . . . (نور/ 31)

و به زنان مؤمن بگو چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند و زینت‌های خود را، جز آن مقدار که پیداست، آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را تا گریبان فرو گذارند و زینت‌های خود را آشکار نکنند، جز برای شوهر خود... .

ابتدا معنای واژگان اصلی این آیه را توضیح می‌دهیم.

زینت: به معنای زیور است و شامل زینت طبیعی (زینتی که در آفرینش فرد به کار رفته که اساس آن صورت و چهره است) و زینت اکتسابی (زیبایی که به واسطه لباس، زیورآلات و لوازم آرایشی به دست می‌آید) می‌شود. مفسران نیز واژه زینت را به معنای عام طبیعی و اکتسابی دانسته‌اند. (ر.ک. به: فخر رازی، بی‌تا: 23 / 205؛ قرطبی، 1967: 12 / 226؛ طباطبایی، 1417: 15 / 111)

خمر: جمع خمار و به معنای روسری و سرپوشی است که زن سرش را با آن می‌پوشاند. (ر.ک. به: طریحی، 1395: 3 / 292؛ فیومی، 1928: 1 / 215؛ مصطفوی، 1360: 3 / 129)

جیوب: جمع جیب و به معنای گریبان و دور گردن است. (زبیدی، 1386: 2 / 210؛ فیومی، 1928: 1 / 115)

یکی از صحابه در بیان معنای این واژه در آیه می‌گوید: «زن سر و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند». (طبرسی، 1415: 7 / 242)

دستور کلی «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» زن را مأمور می‌کند که زینت‌هایش را

بپوشاند و اندام و زیبایی‌های طبیعی و اکتسابی‌اش را در برابر چشمان نامحرم قرار ندهد. چگونگی پوشش در آیه «و لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» را مفسران با توجه به فضای فرهنگی عصر نزول چنین تفسیر کرده‌اند که چون زنان، در دوره جاهلی روسری خود را به پشت سر می‌افکندند به طوری که گردن و بخشی از سینه آنها نمایان می‌شد، قرآن دستور می‌دهد روسری را طوری به گریبان قرار دهند که گردن و سینه آنها را بپوشاند. (ر.ک. به: صابونی، 1407: 2 / 147؛ زمخشری، 1407: 3 / 231؛ قرطبی، 1967: 12 / 230)

قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا . (احزاب / 59)

ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمن بگو که چادر خود را بر خود فرو پوشند. این مناسب‌تر است تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند و خدا آمرزنده مهربان است.

جلایب: جمع جلباب، جامه‌ای است از چادر بزرگ‌تر و از عبا کوچک‌تر که زن به‌وسیله آن سر و سینه خود را می‌پوشاند. (فراهیدی، 1405: 6 / 132؛ طریحی، 1395: 2 / 23)

گرچه مفسران در بیان معنای جلباب، اختلاف دارند، اما جلباب، لباس بلند و گشادی است که زیبایی‌های اندام و زینت‌ها را می‌پوشاند و زن را از تعرض افراد بیماردل مصون نگه دارد. (زحیلی، بی‌تا: 22 / 108؛ طیب، بی‌تا: 10 / 527)

قرآن کریم، طبق این آیه، فلسفه پوشش را نوعی حرمت‌بخشی و احترام‌گذاردن به زن می‌داند، زیرا حجاب او را از نگاه‌های آلوده و شهوانی حفظ می‌کند. دلیل این کارکرد این است که اگر زن حدود را رعایت نکند، هر بیماردلی به او طمع می‌کند و حریم وی را با نگاه آلوده می‌شکند و هویت واقعی‌اش را فراموش می‌کند. (فتاحی‌زاده، 1388: 79 و 80) از این رو قرآن می‌فرماید: «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ

فَلَا يُؤَدِّيْنَ؛ این پوشش، نزدیک‌تر است که زنان به حیا و عفاف شناخته شوند و مورد اذیت ناهالان واقع نشوند».

در کنار آیاتی که حدود و چگونگی پوشش را مشخص می‌کند، آیاتی هم پرهیز از خودنمایی را مطرح کرده‌اند، مانند: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى». (احزاب / 33)

تبرج: از ماده برج به معنای جلوه‌گری و عرضه زیبایی‌هاست. «تبرجت المرثة» یعنی زن زیبایی‌ها و زینت‌هایش را در برابر نامحرم آشکار سازد. (فراهیدی، 1405: 6 / 115؛ فخر رازی، بی‌تا: 1 / 238؛ مصطفوی، 1360: 1 / 227) آیه شریفه به زن مسلمان فرمان می‌دهد که مانند جاهلیت نخستین، به خودنمایی و خودآرایی نپردازد.

گرچه مفسران برای واژه تبرج معانی مختلفی آورده‌اند اما اغلب آنان تبرج را به معنای آشکار ساختن زینت‌ها و زیبایی‌ها می‌دانند. (ر.ک. به: زحیلی، بی‌تا: 22 / 10؛ قرطبی، 1967: 14 / 180؛ قاسمی، 1398: 13 / 349)

بدین ترتیب، اسلام حکم تشریحی به جامانده از ادیان گذشته را ضابطه‌مند و مسئله «پوشش» را در قالبی متعادل و متناسب با اقتضائات درونی زن طراحی کرد.

نتیجه‌گیری

از بررسی مسئله حجاب در قرآن و عهدین به نتایجی دست می‌یابیم که بخشی از آن وجه مشترک ادیان و برخی موارد افتراق آنهاست. این نتایج را مرور می‌کنیم.

الف) جهات مشترک

1. نصوص دینی ادیان سه‌گانه، تمایل به پوشیدگی را امری درونی می‌داند و به همین دلیل آدم و حوا از همان آغاز خلقت، برهنگی را ناپسند دانستند و در پی پوششی از برگ درختان برآمدند.

2. خویش‌داری و عفاف در ادیان الهی، فضیلت اخلاقی است، از این رو

راهکارهایی از قبیل پاکی نگاه و حفظ حریم روابط زن و مرد برای گسترش فرهنگ عفاف مطرح شده است.

3. پرهیز از خودآرایی و خودنمایی مورد توصیه ادیان آسمانی است، از این رو در آیین یهود برای زنی که با خودآرایی به جامعه پا بگذارد، عذاب سختی پیش‌بینی شده است.

ب) وجوه افتراق

1. در عهد قدیم و جدید با نگرش افراطی روبه‌رو می‌شویم که گویای مواضع سخت‌گیرانه آنان در مورد پوشش است. تأکید بر چادر و برقع (روبند) به عنوان ارکان اخلاقی یهود و مسیحیت از آن جمله است؛ در حالی که «پوشش صورت»، طبق نظر اکثر عالمان و فقهای اسلامی، ضرورت ندارد.

2. در فرهنگ یهود و مسیحیت، عفاف ملازم خانه‌نشینی و عزلت‌گزینی زنان است، اما در فرهنگ اسلامی حضور مؤثر و فعال زن در عرصه اجتماعی، بخشی از فلسفه وجودی حکم پوشش است.

3. سلب فعالیت اجتماعی زنان نتیجه طبیعی نوع پوششی است که در نصوص دینی یهود و مسیحیت پیشنهاد شده است، اما اسلام در گام‌های مؤثری برای فعال‌سازی جامعه زنان برداشته است.

4. طرح مسئله پوشش در آیین یهود و مسیحیت با ابهام و کلی‌گویی همراه است و راه روشنی به روی پیروان خود نمی‌گشاید، در صورتی که اسلام با بیانی روشن و تفصیلی، خطمشی مسلمانان را در این عرصه تبیین کرده است.

منابع و مأخذ

1. قرآن کریم.
2. ابن منظور، محمد، 1414 ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
3. حداد عادل، غلامعلی، 1374، *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، تهران، سروش.
4. حکیم الهی، هدایت‌الله، 1342، *زن و آزادی و ضرب‌المثل‌های ملل راجع به زنان*،

- تهران، چاپخانه فردوسی.
5. حویزی، عبدعلی، بی تا، *نورالتقلین*، قم، دارالکتب العلمیه.
 6. دورانت، ویل، 1380، *تاریخ تمدن*، ترجمه امیرحسین آریانپور و...، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
 7. رازی، احمد، 1389 ق، *مقایس اللغه*، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
 8. راغب اصفهانی، حسین، 1412 ق، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، دارالقلم.
 9. زبیدی، محمدمرتضی، 1386 ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالهدایه.
 10. زحیلی، وهبه، بی تا، *التفسیر المنیر*، دمشق، دارالفکر.
 11. زمخشری، محمود، 1407 ق، *الکشاف فی حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالعلم العربی.
 12. صابونی، محمدعلی، 1407 ق، *روائع البیان*، بیروت، مؤسسه مناہل العرفان.
 13. طباطبائی، سید محمدحسین، 1417 ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
 14. طبرسی، فضل بن حسن، 1415 ق، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
 15. طریحی، فخرالدین، 1395 ق، *مجمع البحرین*، تهران، المکتبه المرتضویه.
 16. طیب، سید عبدالحسین، بی تا، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی.
 17. *عهد جدید*، 1994، نیویورک، انجمن پخش کتب مقدس.
 18. *عهد عتیق*، 1992، لندن، انجمن پخش کتب مقدس.
 19. فاضل، جواد، بی تا، *مسالك الافهام الی آیات الاحکام*، تهران، المکتبه المرتضویه.
 20. فتاحی زاده، فتحیه، 1388، *حجاب از دیدگاه قرآن و سنت*، قم، بوستان کتاب.
 21. فخر رازی، بی تا، *التفسیر الکبیر*، قم، نشر دانش اسلامی.
 22. فراهیدی، خلیل بن احمد، 1405 ق، *العین*، قم، دارالهجره.

23. فیومی، احمد، 1928، *مصباح المنیر*، قاهره، مطبعة الامیدیة.
24. قاسمی، جمال‌الدین، 1398ق، *محاسن التأویل*، بیروت، دارالفکر.
25. قاضی‌زاده، کاظم، 1386، «عفاف در آیات قرآن و نگاهی به روایات»، *فصلنامه کتاب زنان*، شماره 36.
26. قرطبی، محمد، 1967، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
27. قمی، شیخ عباس، بی‌تا، *سفینة البحار*، بیروت، دارالمرتضی.
28. کهن، ابراهام، 1382، *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، اساطیر.
29. ماضی، محمد، 1381، *سیاست و دیانت در اسرائیل*، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران، سنا.
30. مجلسی، محمدباقر، 1404 ق، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
31. مصطفوی، حسن، 1360، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، ترجمه و نشر کتاب.
32. مطهری، مرتضی، 1376، *مسئله حجاب*، تهران، صدرا.
33. موسوی، زهره سادات، 1386، «عفاف و حجاب در ادیان الهی»، *فصلنامه کتاب زنان*، شماره 36.
34. ناس، جان بایر، 1384، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

